

تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی در خانواده‌های ساکن در شهر تهران

سمیرا وکیل‌ها^۱

سید یعقوب موسوی^۲

فرح ترکمان^۳

تاریخ وصول: ۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۱۷

چکیده

این پژوهش تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی را در ابعاد (عملی - نگرشی و ارزشی) در بین شهروندان ۱۸ تا ۶۸ سال در شهر تهران مورد مطالعه قرار داده است؛ اینکه آیا ارزش‌های فرهنگی (خصوصی - عمومی) بر تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد (عملی، نگرشی، ارزشی) در بین شهروندان تهرانی تأثیر دارد یا خیر سوال اصلی تحقیق حاضر است. روش این پژوهش پیمایش است و حجم نمونه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سهمیه‌ای و تصادفی به دست آمده است. جامعه آماری، شهروندان ۱۸ تا ۶۸ ساله ساکن در شهر تهران می‌باشند. فرضیات با آزمون‌های آماره‌ای پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاکی از این است که ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی با شاخص‌های دینداری، احترام به سنت و درونی شدن ارزش‌های سنتی با تعهد به اخلاق شهروندی در تضاد است. و ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی از قبیل صلح، نظم اجتماعی، امنیت، صداقت، خیرخواهی، تحصیلات و سن با تعهد به اخلاق شهروندی در رابطه معناداری وجود دارد. فرضیات بر اساس نظریه‌های دورکیم، گیدنز و هیتز قابل تبیین است.

واژگان کلیدی: تعهد به اخلاق شهروندی، ارزش‌های فرهنگی، اخلاق عملی، اخلاق ارزشی، اخلاق نگرشی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول). y.mousavi91@alzahra.ac.ir

۳- عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

فضای شهری عاملی است که نقش بسیار مهمی در شکل گیری هویت و بویژه هویت اجتماعی دارد. هر فرد و گروه هنگامی خود را دارای هویت می داند که از تمایز، پایداری و در جمع بودن خود اطمینان حاصل کند و فضای شهری به خوبی می تواند به این نیاز پاسخگو باشد. به علاوه بخش وسیعی از سبک زندگی و زندگی روزمره شهروندان بواسطه ی حضور در همین فضاها و بویژه عرصه های عمومی شکل می گیرد. فضای شهری ترکیبی از دو بخش خصوصی و عمومی است که به گونه ای پیچیده در یکدیگر تداخل یافته اند. "فضاهای خصوصی در فاصله ی اندک از فضاهای عمومی قرار گرفته اند و به این ترتیب افراد می توانند برحسب اقتضای زمانی، مکانی و استعدادهای فردی به سرعت در این فضاها، جابجا شوند.

مادام که فرد در فضای خصوصی ایفای نقش می کند، تحت تأثیر فرهنگ مسلط و سنت بجا مانده از گذشتگان قواعد زندگی روزمره را مرور کرده و بر همان قاعده روابط را تنظیم می نماید. اما ورود به فضای عمومی و تغییر نقش از حریم خصوصی به حریم عمومی، هویت شخص و فرهنگ وی را تحت تأثیر تغییراتی قرار می دهد که زوایای آن را اخلاق و حقوق شهروندی تعریف و تعیین می کند (Oenen, 2000).

در تعریف مارشال از شهروندی، شهروندی پایگاهی اعطا شده است به کسانی که عضو کامل یک اجتماع هستند. تمام کسانی که از این پایگاه برخوردارند، بنابر حقوق و وظایف مرتبط با این پایگاه با هم برابرند. هیچ اصل عامی وجود ندارد که تعیین کند حقوق و وظایف مذکور چه باید باشند (Marshall, 1994: 17). ترنر معتقد است «شهروندی مجموعه ای از حقوق و وظایف است که به نحو رسمی وضعیت قانونی یک فرد در یک دولت و جامعه سیاسی معین را تعیین می کند. این وضعیت قانونی رسمی است و اهمیت دارد زیرا بر مبنای این پایه حقوقی است که شهروند، مدعی حق برخورداری و دسترسی به منابع ملی می شود (Turner, 2001: 231).

شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت، ملت یا حقوق و تعهدات همگانی در یک سطح مشخص شده ای از برابری می باشد (ترکمان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). یک شهروند خوب در جامعه مدرن و آزاد، نیازمند توانایی برای انتقال و حرکت از دیدگاه عمومی و خصوصی است. این نوع جابه جایی همیشه مستلزم تلاشی است که طبیعت و گستره آن به اخلاق و هویت فرهنگی شخص وابسته است (Oenen, 2000). اخلاق سیستمی برگرفته از اصول رفتاری و ارزشی است که منش و رفتار فرد را بر حسب آنچه خوب و بد تلقی می شود، تنظیم می کند (Porter, 2003: 467). و از آنجائیکه ارزش ها از طریق فرهنگ تعریف و تبیین می شوند رفتارهای اخلاقی نیز از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت خواهد بود (Flammia, 2012). در این راستا هویت نیز مهم ترین و اساسی ترین منبع شناخت عواطف، احساسات و سازماندهی رفتارهای جمعی درون جامعه پیرامون ما محسوب می شود و آن را امری تاریخ مند معرفی

تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی در خانواده‌های . . .

می‌کند (منتظر قائم، ۱۳۷۹: ۲۵۱-۲۷۰). طبق نظریه گیدنز، هویت امری غیرقطعی و متغیر است و بازتاب ساختاری است که کنشگر آن را بازتولید کرده است. بنابراین «محتوای» هویت یا به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که زندگینامه‌ی شخص از آن‌ها ساخته می‌شود، مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۵). با این وصف می‌توان استدلال کرد که هویت فرهنگی در عرصه‌های عمومی و خصوصی دارای ویژگی‌های متغیر و متفاوتی است.

فرهنگ، حاصل تلاش انسانی برای چیرگی بر طبیعت پیرامون است، که از شناخت خود آغاز می‌شود. زمانی که انسان به این باور رسید که بین او و محیط پیرامون، اعم از طبیعت جاندار و طبیعت بی‌جان تفاوت وجود دارد، در صدد موضوع شناخت (ابژه) قرار دادن آن و به دنبال آن، تسلط هر چه بیشتر بر آن برآمد. در ادامه، این تلاش، برای ساماندهی ارتباط با هم‌نوعان و چگونگی دخالت در طبیعت، به نظام‌های ارزشی، رفتاری و اعتقادی نیاز پیدا کرد تا در چارچوب آن‌ها به حیات و شناخت خود عمق بخشیده و مرز و فاصله خود را با طبیعت بازشناسد. این نظام‌ها (که منشأ اصلی آنها از ادیان است) انسان را در غلبه بر طبیعت و تعریف نوع رابطه‌اش با خود و دیگران یاری رساند و بدین ترتیب، فرهنگ انسانی شکل و دوام یافت و در طی دوره‌های مختلف حیات انسانی همواره تقویت گردید و اکنون تأثیرگذاری آن برای انسان‌ها بیشتر شده است (رشتیانی، ۱۳۹۶).

در این پژوهش موانع ارزش‌های فرهنگی در تحقق حقوق و اخلاق شهروندی در دو بستر عمومی و خصوصی مورد مطالعه قرار گرفته است و طبق نظریه شوارتز به تفکیک، در دو بعد عملیاتی شده است؛ شوارتز نیز ارزش‌ها را به ده گونه شامل ۱- (قدرت، ثروت و اقتدار و ...)، ۲- موفقیت (توانایی، جاه‌طلبی و ...)، ۳- لذت‌طلبی (رضایت شخصی و ...)، ۴- برانگیختگی (شهامت، هیجان و تنوع‌خواهی)، ۵- استقلال (خلاقیت و آزادی و ...)، ۶- جهان‌گرایی (وسعت نظر، صلح‌جویی، برابری، حفظ محیط و ...)، ۷- خیرخواهی (مفید، درستکار، بخشنده، وفادار، مسئول)، ۸- سنتی (قانع، فروتن، احترام به سنت، اعتدال، دینداری)، ۹- هم‌نوایی (مودب بودن، مطیع بودن، نظم فردی، احترام به والدین و بزرگترها) و ۱۰- امنیت (امنیت خانواده، امنیت ملی، نظافت، نظم اجتماعی)، تقسیم کرده است. "نکته اصلی شوارتز آن بوده که رابط میان ارزش‌ها را نه سلسله مراتبی بلکه به صورت مدور، ترکیبی و توافقی دانسته است" (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۲۰-۱۱۹).

در این پژوهش در بستر خصوصی، ارزش‌های فرهنگی را مجموعه‌ای از تلاش‌ها و سرمایه‌های ذهنی بشر از جمله دانش‌ها، ارزش‌ها، باورها و دیگر سرمایه‌های فکری بشر قرار دادیم که در طی دوران‌های گذشته شکل گرفته است و مردم بر اساس آداب و رسوم ملی، قومی و یا گاهاً، عقائد مذهبی طبق آن زندگی می‌کنند. این موارد عبارتند از: (تعلیم و تربیت، کارکرد خانواده، درونی شدن ارزش‌ها و پایداری ارزش‌ها، قانع، فروتن، احترام به سنت، اعتدال، دینداری). در بستر عمومی نیز ارزش‌های فرهنگی (از قبیل: قدرت؛ ثروت و اقتدار، موفقیت؛ توانایی، جاه‌طلبی، لذت‌طلبی؛ رضایت

شخصی و ...، برانگیختگی؛ شهامت، هیجان و تنوع خواهی، استقلال؛ خلاقیت و آزادی و ...، جهان گرایی؛ وسعت نظر، صلح جویی، برابری، حفظ محیط و ...، خیرخواهی؛ مفید بودن، درستکاری، بخشندگی، وفاداری، مسئولیت پذیری) به قواعد اخلاقی حاکم بر بستر خصوصی دلالت دارد که بر مبنای تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سیاقی نوین بازتولید شده است. به عبارتی در این بستر، مردم ارزش‌هایی را مشروع می‌انگارند که استناد قابل اعتمادی برای قواعد و ضوابط رفتارهای اجتماعی باشند. بدیهی است در چنین فضایی، تصمیمات مهم زندگی اجتماعی باید بر اساس شایسته‌سالاری و خرد جمعی اتخاذ شود که انعکاسی از اصول عینی حقوق شهروندی است. و نیز ارزش‌هایی از قبیل سن مداری، خویش مداری، قوم‌مداری و قشر گرایی که در این بستر دارای کارکرد نبوده و سبب خروج زیست جهان شهری از قاعده مدنیت و شهروندی می‌گردند، می‌بایست مورد اجتناب از گزینش قرار گیرند.

انسان در جامعه مدنی ضمن دستیابی به امتیازات و بهره‌های فراوان دارای مسئولیت و تعهد است. اگر در قرن بیستم، جنگ و خونریزی یکی از ابزارهای سلطه و قدرت محسوب می‌شد، امروز صلح و توجه به آن سازنده بینش و بصیرت انسانهاست. با این اوصاف در کشوری مثل ایران که همچنان در مسیر و فرآیند مدرنیته پیش می‌رود، میان وضعیت مطلوب و وضعیت فعلی فاصله زیادی دیده می‌شود. خصوص اینکه در جامعه ایران، گسترش شهرنشینی با سرعت بی‌سابقه اتفاق افتاده است، به همین دلیل بسیاری از شهروندان آمادگی ورود به این نوع زندگی را پیدا نکرده‌اند و صرف ورود به زندگی شهری خود را شهروند نامیده‌اند و با بی‌توجهی به قوانین شهرنشینی از جمله عدم رعایت حقوق دیگر شهروندان، نداشتن مشارکت در امور شهروندی، عدم تعهد در قبال وظایف شهروندی و ... باعث از هم پاشیدن اعتماد اجتماعی و به خطر افتادن منافع ملی می‌شود (ناجی مهر و همکاران، ۱۳۹۳). اگر نگاهی گذرا به مسائل جامعه خودمان بیاندازیم به وضوح می‌بینیم که عدم تثبیت اخلاق و ارزش‌های مدنی و ارتباطات شهروندی چه پیامدها و هزینه‌های سنگینی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. و آنچه که امروز به تصویر ناهنجاری‌ها و ناهمخوانی‌ها ملاحظه می‌کنیم ریشه در پیروی از قواعدی دارد که برگرفته از نیاز زندگی روزمره در بستر عمومی زندگی شهری و دنیای مدرن نیست. شایان ذکر است تا زمانیکه حقوق و اخلاق شهروندی به درستی تعریف و تبیین نشده باشد، این طبیعی است که بی‌نظمی، خشونت، بی‌اخلاقی و بی‌هنجاری تقویت و گسترش می‌یابد. بر این اساس و به تناسب پیچیدگی‌های خاص جوامع امروزی، ضرورت و اهمیت ارائه راهکارهای کارآمد در تقویت فرهنگ و اصلاح جوامع و نجات انسان‌ها به خوبی نمایان است؛ پیامد چنین اقدام مهم و سازنده‌ای موجب استقرار جامعه‌ای ارزشی و معنوی است که در آن همه شهروندان از نعمت نظم، امنیت، عدالت، رعایت حقوق طرفین، احسان، نوع دوستی و ترجیح مصالح عمومی و همه ارزش‌های انسانی در حد اعلا برخوردار باشند و زمینه تعالی و کمال انسانی و تقرب الهی تحقق یابد (غلامی نیا، ۱۳۸۸). بدیهی است توسعه حقوق و اخلاق شهروندی در گرو توسعه فرهنگ و عبور از تعصبات و هنجارهای بی‌کارکرد و

تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی در خانواده‌های . . .

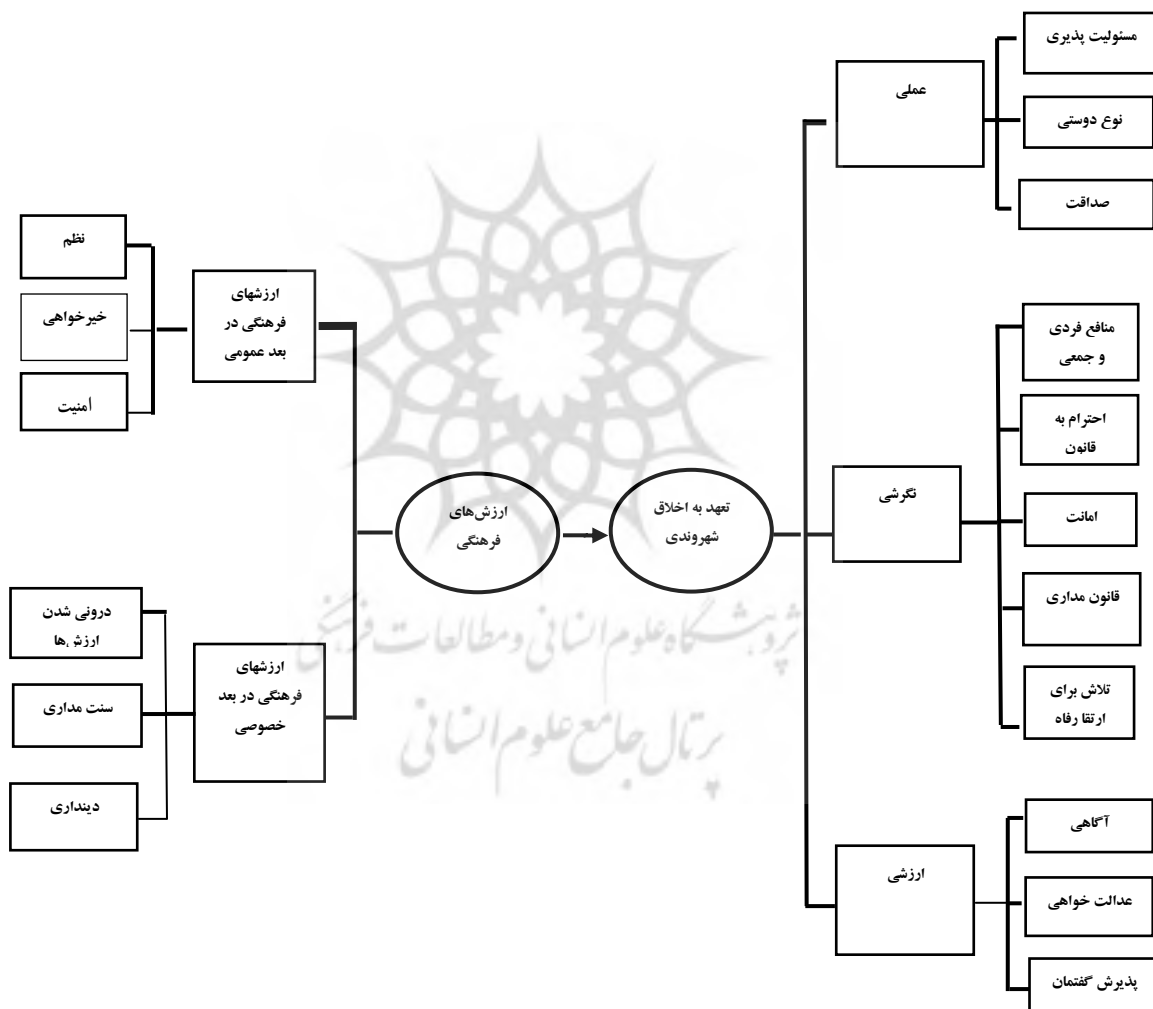
ضد ارزش اجتماعی است که درمباحث جامعه‌شناختی از آن به عنوان تحول در نظام ارزشی یاد می‌شود. ارزش‌هایی که عموماً از وجود نیازهای شخصی به وجود می‌آید، و در ابتدا جنبه زیستی و فردی داشته اند و همزمان با رشد فرد به ارزش‌های فرهنگی- اجتماعی تغییر می‌یابند (محمد خلیفه، ۱۳۷۸).

هیچ جامعه و هیچ نظام اجتماعی را نمی‌توان یافت که در تاریخ فرهنگی خود از تغییر و تحول بی‌نصیب باشد. عامل اصلی تغییر و تحولات ارزشی در جامعه، همان تغییر و تحول در باورها، اعتقادات و نظام فکری افراد است که تمامیت نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد.

در وضعیت کنونی جهان که روابط و تأثیر پذیری بین فرهنگ‌ها و جوامع مختلف بیش از گذشته امکان پذیر شده، رواج مدرنیته نیز با شاخص فردگرایی و منفعت طلبی، تغییرات نظام ارزشی را تشدید کرده است، و جامعه ما نیز از گزند آن بی‌نصیب نبوده است. لذا آنچه در این تحقیق حائز اهمیت است موانع برخاسته از چنین بستری است که تعادل اخلاقی در جامعه ایران را دچار آسیب کرده است. و باورهایی همچون قربانی شدن، گذشت از حقوق فردی و بخشش به معنای انفاق مال که در گذشته ارزش اخلاقی- فرهنگی بود اکنون به منفعت طلبی و مطالبه بی‌رحمانه حقوق فردی تبدیل گشته است. نبود تعادل اخلاقی در اشکال مختلف کم و بیش در جامعه ایران قابل مشاهده است و در سال‌های اخیر مورد نقد و بررسی محققان قرار گرفته است. خصایصی چون احساس بی‌هنجاری در میان شهروندان، عدم احساس نظارت و کنترل، بی‌اعتمادی به نهادهای انضباطی و احساس عدم قطعیت قانون از جمله مصادیق عدم توسعه اخلاق و شهروندی است. همانطور که شواهد حکایت از آن دارد بخشی از خلق و خویهای ایرانی نیز بحث انگیز بوده است. بر اساس پیمایش ملی ۱۳۸۲، ۹۵/۷٪ از پاسخگویان به درجات مختلف موافق بودند که خلیات ایرانی مشکل دارد (وکیل‌ها به نقل از فراستخواه، ۱۳۹۶). حدود ۸۸ درصد از مردم معتقدند فاصله‌ی طبقاتی روز به روز در جامعه بیش تر می‌شود. ۷۱ درصد معتقدند در جامعه‌ی ایران توانایی و شایستگی های فردی برای به دست آوردن شغل اهمیتی ندارد، بلکه پارتی و شانس ضرورت دارد. ۸۱ درصد معتقدند نداشتن پول و پارتی باعث ضایع شدن حقوق فردی می‌شود، ۵۹ درصد از پاسخگویان از کمیابی صداقت و راستگویی نگران بودند، ۴۹ درصد به کمیابی به قول و قرار معتقد بودند، ۶۸ درصد به دورویی و تظاهر اذعان داشتند (فراستخواه، ۲۰۱۳:۹۴). از آنجائیکه صفات یک ملت ذاتی نیست، بلکه ناشی از زندگی جمعی است و با تغییر اوضاع در سطوح مختلف، بهتر یا بدتر می‌شود، لذا نمی‌توان یک یا چند منش را به همه ایرانیان تعمیم داد زیرا خرده فرهنگ‌هایی از درون لایه‌های اجتماعی بر می‌خیزد که از منش پایدار و مسلط تبعیت کامل نمی‌کند (وکیل‌ها به نقل از فراستخواه، ۲۷:۱۳۹۴). با توجه به مطالبی که ذکر گردید سوالات این پژوهش به شرح ذیل است:

۱- آیا ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی با اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی رابطه دارد؟

- ۲- آیا ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی با اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی رابطه دارد؟
- ۳- به نظر می‌رسد، ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی با اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی رابطه دارد؟
- ۴- به نظر می‌رسد، ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی با اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی رابطه دارد؟



نمودار (۱): مدل نظری پژوهش

تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی در خانواده‌های . . .

متغیر مستقل در این پژوهش عبارت است از: ساختار و ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی؛ (تعلیم و تربیت، کارکرد خانواده، صلح، دوستی، موفقیت، استقلال، خیرخواهی، هم‌نوایی، امنیت، نظم اجتماعی، صداقت). ساختار و ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی: (درونی شدن ارزش‌ها، پایداری ارزش‌ها، قانع بودن، فروتنی، احترام به سنت، اعتدال و دینداری). و متغیر وابسته نیز عبارت است از: اخلاق شهروندی؛ (در سه بعد نگرشی، ارزشی و عملی).

مفهوم شهروندی در نظریات پارسونز به صورت تلویحی صورت بندی شده است. با واریسی نظریه‌های پارسونز می‌توان دریافت که جایگاه نظری شهروندی در نظریه‌های پارسونز را باید در تئوری توسعه مدرنیته او سراغ گرفت. شهروندی در معنای کامل کلمه، از نظر پارسونز نتیجه ظهور سرمایه‌داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است، که بستر مناسبی برای رشد آن فراهم آوردند. از دید پارسونز شهروندی مدرن نیازمند یک عامل سیاسی است که دیگر با خاص‌گرایی‌های تولد، قدمت و جنسیت محدود و مقید نشود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

پارسونز کنش اجتماعی را برآیند سه نظام شخصیت، فرهنگ و نظام اجتماعی می‌داند (روشه، ۱۳۷۶: ۸۱). که پس از آن ارگانیزم زیستی را به عنوان نظام چهارمی در تحلیل ابعاد کارکردی نظام کنش وارد می‌کند و در تحلیل کارکردهای چهارگانه‌ی کنش (AGIL) کارکرد نظام فرهنگی را، حفظ الگوهای فرهنگی عنوان کرد. در تز تکاملی پارسونز که کلید فهم جامعه‌شناسی وی نیز به شمار می‌رود، فرهنگ جایگاه ویژه‌ای دارد. «تکامل اجتماعی به پیشرفت یک نظام فرهنگی متنوع و در عین حال پایدار بستگی دارد؛ نظامی که محتوایش به دلیل افتراق‌پذیری و نیز هماهنگی اجزایش غنی‌تر می‌شود» (روشه، ۱۳۷۶: ۱۲۰).

روکیچ ارزش‌ها را به دو دسته، ابزاری و غایی تقسیم کرده است. ارزش‌های غایی خود به دو دسته فردی (مانند رستگاری) و ارزش‌های اجتماعی (مثل صلح و دوستی) و ارزش‌های ابزاری نیز به دو دسته فردی (شایستگی و ویژگی‌های فردی مانند منطقی بودن) و ارزش‌هایی که بر بعد اخلاقی (مانند امانت‌داری) تأکید دارند. شوارتز نیز ارزش‌ها را به ده گونه شامل ۱- (قدرت، ثروت و اقتدار و...)، ۲- موفقیت (توانایی، جاه‌طلبی و...)، ۳- لذت‌طلبی (رضایت شخصی و...)، ۴- برانگیختگی (شهامت، هیجان و تنوع‌خواهی)، ۵- استقلال (خلاقیت و آزادی و...)، ۶- جهان‌گرایی (وسعت نظر، صلح‌جویی، برابری، حفظ محیط و...)، ۷- خیرخواهی (مفید، درستکار، بخشنده، وفادار، مسئول)، ۸- سنتی (قانع، فروتن، احترام به سنت، اعتدال، دینداری)، ۹- هم‌نوایی (مودب بودن، مطیع بودن، نظم فردی، احترام به والدین و بزرگترها) و ۱۰- امنیت (امنیت خانواده، امنیت ملی، نظافت، نظم اجتماعی)، تقسیم کرده است. «نکته اصلی شوارتز آن بوده که رابط میان ارزش‌ها نه سلسله‌مراتبی بلکه به صورت مدور، ترکیبی و توافقی دانسته است» (فرامرزی، ۱۳۷۸: ۲۰ - ۱۱۹)، این‌گلهارت نیز ارزش‌ها را به دو دسته سنتی و نو تفکیک کرده است (توکلی، ۱۳۸۱: ۱۴).

هیتر در تعریف شهروندی چهار بعد را در نظر می‌گیرد: بعد احساسی؛ که در برگرنده مفاهیمی چون هویت و فضیلت مدنی است. احساس، به نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها مربوط می‌شود. هویت و فضیلت مدنی هر دو به وفاداری و مسئولیت‌پذیری و احترام به ارزش‌هایی چون آزادی، تساهل و بردباری، انصاف، احترام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، احترام به حقیقت، احترام به تعقل و استنتاج می‌انجامند و بسیاری از دانشمندان بر این عقیده‌اند که شهروند خوب کسی است که نسبت به جامعه خود و آن اجتماع سیاسی که در آن عضویت دارد، احساس تعلق داشته و نسبت به آن وفادار است. این احساس تعلق و وفاداری می‌تواند در سطوح مختلف جغرافیایی از گروه‌های محلی و منطقه‌ای گرفته تا جهان شهر مطرح گردد. بعد موقعیت: امروزه شهروندی ابزاری است برای برابری پایگاه و موقعیت‌های افرادی که در یک اجتماع سیاسی هستند. همچنین شهروندی می‌تواند افراد عضو را از غیر عضو متمایز سازد. اما از طرفی باید گفت که مفهوم مشارکت سیاسی، حقوق رفاهی و اجتماعی و هویت مشترک و مسئولیت مدنی نمی‌توانند بدون ریشه محکمی از پایگاه قانونی و مدنی به وضوح تعریف شده و به فراوانی رشد پیدا کنند. این موقعیت‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در قالب حقوق و وظایف اعمال می‌شوند. هر شهروندی وظیفه دارد که در قبال حقوقی که دریافت می‌دارد به وظایف و تعهداتی نیز پایبند بوده و عمل نماید و در مقابل هر دولتی نیز در مقابل شهروندان وظیفه دارد که از آن‌ها در برابر هر تهدید داخلی و خارجی دفاع کند. بعد عمل: بعد سوم شهروندی بعد عمل یا فعالیت و رفتار است که در تفکر اجتماع گرایان و به ویژه جمهوری خواهان مدنی مطرح می‌شود. در این بعد علاوه بر برخورداری واقعی از حقوق و امکانات بر تعهدات و مسئولیت‌ها و همچنین حضور در زندگی سیاسی و اجتماعی تأکید شده است. بعد شناخت: هر شهروندی باید نسبت به موقعیتی که در یک اجتماع دارد آگاهی پیدا کند و با حقوق و تعهدات خود و دیگران آشنا گردد. بنابراین می‌توان داشتن آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، نگرش‌ها و مهارت‌هایی که اولین موقعیت را در بر می‌گیرد یکی از اجزای ضروری شهروندی و مبنای برای عمل و تحقق واقعی آن دانست. به عبارتی آگاهی و شناخت را باید منبع مهم احساس وفاداری و مسئولیت بدانیم. هیتر از مفهوم شهروندی چندگانه برای بیان نظریه خود استفاده می‌کند. این مفهوم بر نیاز به جداسازی شهروندی از هویت‌های فرهنگی محدودکننده‌ای نظیر ملیت تأکید می‌کند. هیتر معتقد است که یک فرد می‌تواند هویت‌های مدنی چندگانه‌ای داشته باشد و وفاداری‌های چندگانه‌ای را احساس کند (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

اساس این طرح بر این قرار گرفته که مفهوم شهروندی دارای ۵ عنصر اساسی است. علاوه بر تعریف سه بعدی مارشال از شهروندی مدنی، سیاسی و اجتماعی، دو بعد فضیلت مدنی و هویت را نیز در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه واژه شهروند در انگلیسی در خدمت دو مسأله موقعیت و احساس بوده است این طرح پیوستگی عناصر را نشان می‌دهد و این که اشکال مدنی، سیاسی، اجتماعی از شهروندان به مثابه موقعیت جریان پیدا می‌کند. این موقعیت در برگرنده حقوق و وظایف مدنی است. برعکس، فضیلت مدنی

تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی در خانواده‌های . . .

به طرز تلقی‌ها و رفتارها مربوط می‌شود هویت نیز دو جنبه دارد و به موقعیت فرد برخوردار از حقوق از طریق ملیت و احساس نیاز به تعلق به گروه‌های اجتماعی مربوط می‌شود (رشیانی، ۱۳۸۲: ۷۷).

جدول (۱): نظریه‌های مورد استفاده جهت تعیین شاخص‌ها

نظریه	نام تئوری پرداز	خصوصیات نظریه	اشاره به شاخص
	آزاد ازمکی	انسجام آرامش - احساس امنیت عمومی	همزیستی مسالمت آمیز
	هایز	وفاداری آزادی عقیده	مسئولیت پذیری
	کانت	برابری - آزادی در تعیین سرنوشت - احترام به مالکیت	رعایت قوانین و مقررات
	مارشال	آزادی بیان - دسترسی برابر به نظام قانونی - حقوق اجتماعی	نوع دوستی
	پارسونز	انسجام اجتماعی - عضویت اجتماعی - همبستگی و وفاداری	رعایت قوانین و مقررات

یکی از مفاهیم بنیادی نظام اخلاقی که از دیرباز مورد توجه بوده است اصل مسئولیت اخلاقی است. مسئولیت از ریشه سأل و هم ریشه با سؤال است و این معنا را تداعی می‌کند که شخص در موقعیتی قرار دارد که می‌توان او را در مورد وظیفه‌ای که به عهده دارد، بازخواست نمود تا در صورت انجام دادن آن مورد مدح و در صورت سرپیچی مورد عقاب و مذمت قرار داد. لازمه آن، این است که مسئول مطابق نوع رفتار خود مورد تشویق یا تنبیه قرار گیرد. در نتیجه مسئولیت در جایی معقول است که مسئول نسبت به امر مورد سؤال وظیفه و تکلیفی داشته باشد. در اینجا در حقیقت مسئولیت در معنای عهده دار بودن و وظیفه داشتن به کار برده شده و در اصل با دو اصطلاح تکلیف و اهلیت مترادف است (مهدوی کنی، ۱۳۸۸). بسیاری از فلاسفه اخلاق بویژه فایده گرایان، انضباط و آزادی عمل را نقیض یکدیگر شمرده‌اند. ولی فقدان انضباط اخلاقی را با بی‌هنجاری برابر دانسته‌اند: قواعد اخلاقی چهارچوب لازم را برای یک حیات انسانی مستقل و راضی کننده فراهم می‌کند. برای تجدید خواسته‌ها و منافعی که از طریق اجتماع پدید آمده است به افق‌هایی نیاز است که بطور اجتماعی تعریف شده باشد و گرنه نتیجه، خودپرستی سیری ناپذیر خواهد بود، و این نه تنها به رضایت نفس راه نمی‌برد، بلکه به بحران‌های اخلاقی و بیزاری از دنیا می‌انجامد (گیدنز، ۱۹۷۸: ۶۰).

در جامعه مدنی هر فرد صرف نظر از هویت انسانی خود با هویت شهروندی مشخصی شناخته می‌شود و بخش مهمی از حقوق و تکالیف وی به این هویت ثانوی برمی‌گردد. در مقابل هویت غیراقتسابی انسانی، هویت شهروندی، هویتی قراردادی و اکتسابی است که در درجه اول با عضویت در یک واحد سیاسی به نام کشور حاصل می‌شود و با خروج از آن نیز زائل خواهد شد. هویت شهروندی مانند هویت انسانی هیچ‌گونه حیثیتی نمی‌پذیرد و همه افراد را از هر رنگ، مذهب، نژاد و قومی را بطور یکسان دربرمی‌گیرد. هویت شهروندی در جریان تعامل آگاهانه میان حکومت (حاکمان) با مردم (شهروندان) تحقق می‌یابد. در جریان این تعامل هر یک از طرفین ضمن آگاهی نسبت به حقوق و تکالیفی که بر عهده دارند به آن پایبند نیز هستند (بلورچی، ۱۳۸۴: ۶۱).

عناصری که در فضای عمومی شهری و حقوق شهروندی دیده می‌شوند؛ برخوردار از یک سری فضایل مدنی و ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منافع خصوصی و عضویت در اجتماع سیاسی جهت برخوردار از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است.

عناصر تشکیل‌دهنده شهروندی نشان می‌دهند که شهروندی نیازمند چارچوبی برای شناسایی و مکانیسم‌هایی برای تحقق است. افراد برای درگیری در عمل شهروندی، نیازمند شرایط مناسب و بسترهای لازم هستند. اگر جامعه‌ای نتواند منابع لازم را فراهم و یا به نفع بخش یا بخش‌هایی از جامعه آن را توزیع کند، شهروندی به طور کامل تحقق نخواهد یافت. عدم وجود فرصت برابر برای فعالیت‌های داوطلبانه یکی از موانع اصلی تحقق شهروندی به شمار می‌رود. جامعه مدنی در فضای عمومی شهری، در واقع بستر شهروندی را تشکیل می‌دهد. یک جامعه مدنی زنده و قوی می‌تواند با درونی‌سازی و تقویت حس تعلق و هویت یابی با نفع عمومی در اعضای خود، به تقویت و تثبیت مردم‌سالاری کمک کند و پیوند افراد را با جامعه بزرگتر تقویت می‌کند.

دورکیم به عنوان بنیان‌گذار جامعه‌شناسی بر نوع خاصی از اخلاق مدنی تأکید داشت. دورکیم، بر خصلت درونی اخلاق مدنی جدید تأکید می‌کند. از این رو، بحث دورکیم را این گونه می‌توان خلاصه کرد که وی به دنبال توصیف نوعی شهروندی اخلاقی است. مفهوم اخلاق اجتماعی، امروز نیز در بین متفکران اهمیت دارد، اما چنین اخلاقی ذیل سازوکار دیگری چون قدرت و انضباط معنا می‌شود. برای مثال میشل فوکو، در بحث از مفهوم قدرت انضباطی، به شرایطی می‌پردازد که زمینه‌های ظهور شهروند منضبط را فراهم ساختند. هر چند شهروند منضبط ویژگی‌هایی دارد که به شهروند اخلاقی دورکیم شبیه است (فوکو، ۱۹۸۰:۱۳۹).

اهداف جمعی و تأمین نیازمندی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، محور اساسی بحث‌های جامعه مدنی را مشخص و معین می‌سازد. فضای عمومی در جامعه مدنی با یافتن راه‌حل‌های مبتکرانه برای مسائل پیچیده‌ای که زندگی شهری در همه بخش‌ها با آن روبه‌روست، از جمله آموزش و پرورش، بهداشت، هنر، توزیع عادلانه ثروت و قدرت در میان شهروندان، فن‌آوری و حکمرانی، مکمل اقدام‌های دولت‌ها و بخش‌های خصوصی است.

اخلاق دارای دو بعد کلی فرهنگی و اجتماعی است. در بعد فرهنگی یا همان اخلاق نظری ما با مجموعه‌ای از قواعد و دستورات اخلاقی سروکار داریم. اما در بعد اجتماعی یا همان اخلاق عملی است که مسئله احساس تکلیف و مسئولیت نسبت به آن قواعد اخلاقی مطرح می‌گردد (چلبی، ۱۳۸۵). همچنین به نظر دورکیم اخلاق شهروندی، آنجا معنا می‌یابد که تعدادی از افراد بشر به صورت گروهی با یکدیگر زیست داشته باشند، بشر فقط از آنرو موجودی اخلاقی است که در جامعه زندگی می‌کند، چون اخلاقی بودن عبارت است از همبسته گروه خود بودن (دورکیم، ۱۳۶۹:۴۲۶). به نظر وی جامعه غایت عالی هر گونه فعالیت اخلاقی است و از این رو اخلاق شهروندی زمانی معنا دارد که جامعه‌ای وجود

داشته باشد و افراد باید در تشخیص و تعیین ارزش‌ها به همین جامعه (فضای عمومی و خصوصی ساختار شهری) مراجعه کنند. در واقع دورکیم عقیده دارد که همبستگی و مشارکت اجتماعی در یک گروه نوعی احساس تعهد و مسئولیت متقابل در افراد به وجود می‌آورد به طوری که افراد جامعه دیگر نمی‌توانند نسبت به خواسته‌ها و نیازهای یکدیگر بی تفاوت باشند (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۰). همبستگی و مشارکت مورد نظر دورکیم به عنوان قواعد اخلاقی ساختار شهری در بستر عمومی، زمانی به وقوع می‌پیوندد که فرهنگی خاص بتواند آن قواعد اخلاقی و حقوقی مورد نظر را حمایت و توانمند سازد (Oenen, 2000).

بنابر نظریه هابرماس باید، امکان گفت و گوی آزاد و خردمندانه به دور از سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه مدنی به وجود آید. جایی که با عنوان حوزه عمومی در نظام سرمایه‌داری به وسیله سه عامل دولت‌ها، وسایل ارتباط جمعی و شرکت‌های چندملیتی مورد تهدید قرار گرفته است. حوزه عمومی در همه سطوح خانواده، سازمان و جامعه امکان ظهور داشته و افراد بایستی برای تکامل از آنجا آغاز کنند. در حوزه عمومی، امکان بروز و تجلی خودیابی فراهم شده و فرد هویت خود را پیدا کرده و به واسطه خودیابی گفتمان و ارتباط آزاد و دور از سلطه شکل می‌گیرد. در این شرایط افراد با برون‌ریزی ذهنیت‌ها و عقاید و برخورد میان آن‌ها به وفاق نسبی ارزش‌ها و هنجارها دست می‌یابند. وفاق زمینه‌ساز کنش تاریخی و سرنوشت‌ساز خواهد بود. در این کنش اجتماعی عام، عقلانیت در ابعاد مختلف رشد کرده و به سوی تکامل اجتماعی و انسانی پیش می‌رود (هابرماس، ۱۳۸۴).

ابزار و روش

این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی و علی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پیمایش با مراجعه مستقیم به خانه‌های مسکونی و مصاحبه با افراد خانواده‌های ساکن در شهر تهران صورت گرفته است، بنابراین واحد مشاهده فرد و سطح تحلیل خرد است. از نظر زمانی، پژوهش حاضر، مقطعی می‌باشد. همچنین از آنجا که مطالعه روی جمعیتی وسیع (شهروندان تهرانی) صورت گرفته، میزان ژرفایی از نوع پهنانگر است و با در نظر گرفتن معیار کاربرد از نوع کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر که از آن نمونه‌ای نمایا و معرف به دست می‌آید شامل خانواده‌های ساکن در ۵ منطقه (شمال-جنوب-شرق-غرب و مرکز) شهر تهران در سال ۹۵ است که حجم نمونه آن برابر ۲۰۰ نفر به دست آمد. گفتنی است که برای مشخص شدن نمونه مورد نظر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که برای پر کردن پرسشنامه‌ها به درب منازل زوجین مراجعه شد و اطلاعات افراد بر اساس نمونه‌گیری تصادفی از بلوک‌ها و پلاک‌ها جمع‌آوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته می‌باشد که پس از بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد، به کار گرفته شده است. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه آن را در اختیار ۴۰ نفر از افراد قرار دادیم که پس از جمع‌آوری اطلاعات آنان مشخص شد در همه متغیرها اعم از مستقل و وابسته پایایی بالایی مشاهده می‌شود (آلفای کرونباخ

بیشتر از ۷۰٪). برای سنجش روایی نیز از ضریب کروییت بارتلت در تحلیل عاملی بهره گرفته شد. جدول زیر خلاصه‌ای از میزان روایی و پایایی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۲): ضرایب سنجش روایی و پایایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	پایایی		روایی	
		ضریب آلفای کرونباخ	شاخص KMO	کروییت بارتلت	Sig
متغیر مستقل	ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی	۰/۷۸	۰/۶۹	۳۶۶/۴۰۱	۰/۰۰۰
	ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی	۰/۸۴	۰/۸۸	۴۵۳۸/۱۸۶	۰/۰۰۰
متغیر وابسته	بعد عملی	۰/۸۴	۰/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	بعد نگرشی	۰/۷۸	۰/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	بعد ارزشی	۰/۷۶	۰/۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

یافته‌ها

آزمون فرضیه اول: به نظر می‌رسد، ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی با تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی رابطه دارد. در روابط متقابل بین متغیر ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی با متغیر اخلاق شهروندی در بعد عملی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r) مشاهده گردید که رابطه بین ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی و (اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی) معنادار بوده است. با توجه به شاخص‌های تعریف شده برای متغیرهای مستقل و وابسته نتایج حاصل از تحقیق بر آن است که افرادی که در امر تعلیم و تربیت و کارکرد خانواده از فاکتورهای هم‌نواپی، صداقت، خیر خواهی، موفقیت، نظم اجتماعی، امنیت، صلح و دوستی بی‌بهره می‌مانند کمتر متعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی هستند.

جدول (۳): ضریب همبستگی پیرسون بین ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی با تعهد به اخلاق شهروندی

همبستگی پیرسون	اخلاق شهروندی	ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی
Sig سطح معنی‌داری	۱	۰/۴۶۶
	-	۰/۰۰۰

با توجه به سطح شبه پارامترک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر $۰/۰۵$ کوچکتر است نشان از معنی‌داری تعهد به اخلاق شهروندی و ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی دارد.

تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی در خانواده‌های . . .

همچنین میزان همبستگی پیرسون $0/466$ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می‌شود.

آزمون فرضیه دوم: به نظر می‌رسد، ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی با تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی رابطه دارد.

در روابط متقابل بین متغیر ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی با متغیرهای اصلی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r) مشاهده گردید که رابطه بین ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی و (تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی) معنادار نبوده است. افرادی که در نظام فرهنگی جامعه‌پذیری ضعیفی داشتند؛ و ارزش‌هایی از قبیل دینداری، درونی شدن ارزش‌های سنتی و احترام به سنت در آن‌ها به طور قوی درونی شده است و از هنجارهای مشترک اجتماعی آگاهی نسبی نداشتند، کمتر نسبت به اخلاق شهروندی متعهد بودند.

جدول (۴): ضریب همبستگی پیرسون بین ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی با تعهد به اخلاق شهروندی

همبستگی پیرسون	تعهد به اخلاق شهروندی	ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی
۰/۶۳۱	۱	
۰/۰۷۳	-	

با توجه به سطح شبه پارامترک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان 95% سنجش شده است سطح معنی‌داری برابر $Sig= 0/073$ است که از سطح مورد نظر $0/05$ کوچکتر است نشان از عدم معنی‌داری تعهد به اخلاق شهروندی و ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی دارد.

عدم اثبات این فرضیه نشان دهنده آنست که ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی که در این پژوهش شامل ارزش‌های فرهنگی از قبیل سنت‌مداری، دینداری و درونی شدن ارزش‌های سنتی است با تعهد به اخلاق شهروندی کاملاً متعارض است.

طبق نتایج حاصل از آزمون رگرسیون به روش جبری، تحصیلات ضمن رابطه معناداری $Sig= 0/010$ با ضریب بتای $0/382$ و امنیت با ضریب بتای $0/433$ ، خیرخواهی با ضریب بتای $0/218$ ، نظم اجتماعی با ضریب بتای $0/533$ و صداقت با ضریب بتای $0/274$ و سن با ضریب بتای $0/295$ بیش‌ترین تأثیر را در تعهد به اخلاق شهروندی داشت. و از متغیرهای زمینه‌ای میزان درآمد رابطه معناداری با متغیر وابسته (تعهد به اخلاق شهروندی) نداشت. بدین معنی که؛ یک درجه تغییر در شاخص خیرخواهی تعهد به اخلاق شهروندی را به میزان $0/218$ تغییر می‌دهد. یک درجه تغییر در شاخص صداقت، تعهد به اخلاق شهروندی را به میزان $0/274$ تغییر می‌دهد. یک درجه تغییر در شاخص نظم اجتماعی تعهد به اخلاق شهروندی را به میزان $0/533$ تغییر می‌دهد. یک درجه تغییر در شاخص امنیت، تعهد به اخلاق شهروندی را به میزان

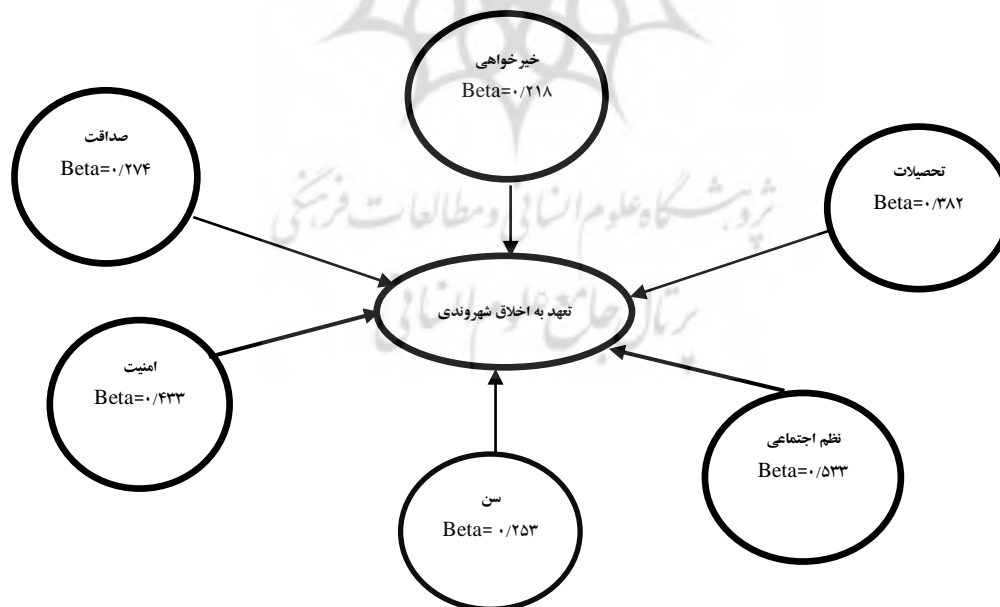
می‌دهد. یک درجه تغییر در شاخص شهروندی را به میزان ۰/۲۹۵ تغییر می‌دهد. یک درجه تغییر در شاخص تحصیلات، تعهد به اخلاق اجتماعی را به میزان ۰/۳۸۲ تغییر می‌دهد.

جدول (۵): خروجی رگرسیون چند متغیره - عوامل مؤثر بر میزان تعهد به اخلاق شهروندی

جدول خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری

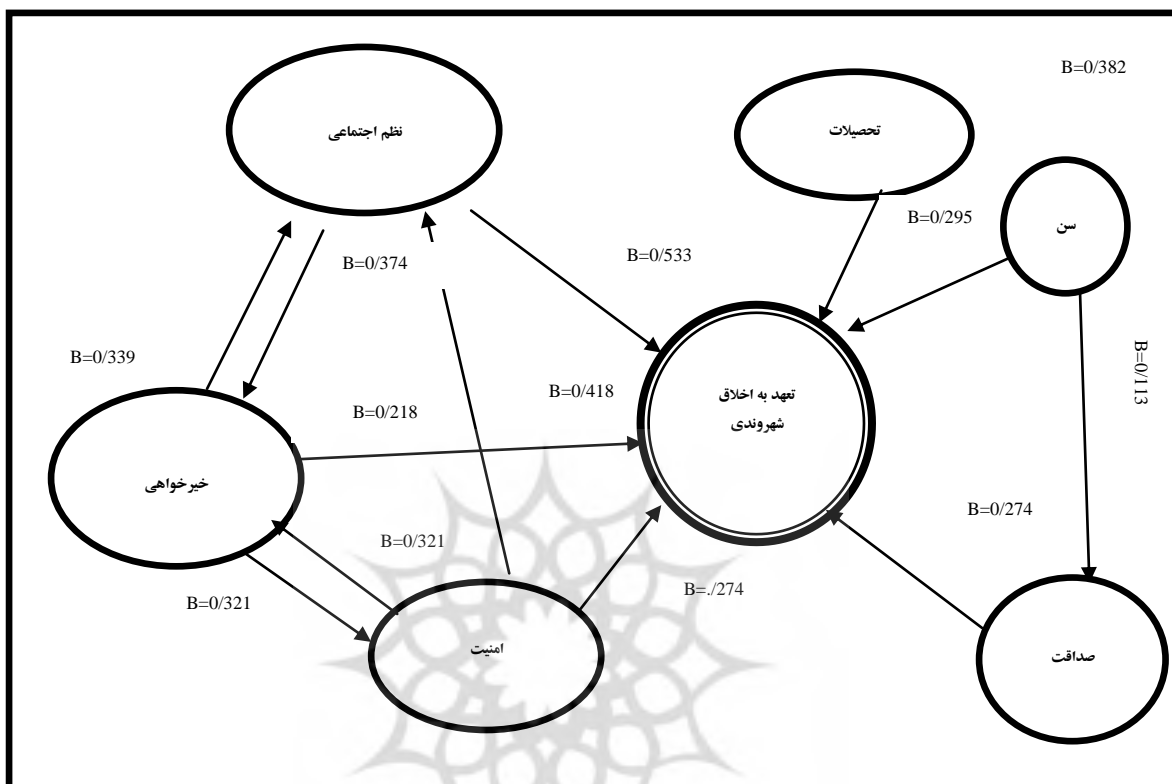
Sig.	T	Standardized Coefficients		Unstandardized Coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B		
.000	1.001	-	.364	.364		(Constant)
0/008	0/295	0/295	0/073	0/021		سن
0/969	-0/39	-0/001	-0/000	-9/40		درآمد
0/000	6/832	0/533	0/049	0/332		نظم اجتماعی
0/010	2/601	0/382	0/454	1/181		تحصیلات
0/038	-2/083	0/433	0/150	-0/313		امنیت
0/000	12/366	0/274	0/133	1/634		صداقت
0/000	15/422	0/718	0/077	0/418		خیرخواهی

نمودار شماره (۱): مدل ضرایب تأثیر عوامل مؤثر بر میزان تعهد به اخلاق شهروندی



تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر تعهد به اخلاق شهروندی در خانواده‌های . . .

نمودار شماره (۲): مدل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر میزان تعهد به اخلاق شهروندی



میزان تعهد به اخلاق شهروندی تحت تأثیر مستقیم نظم اجتماعی ($0/533$) و خیرخواهی (به میزان $0/218$)، صداقت (به میزان $0/274$) و میزان تحصیلات (به میزان $0/295$)، امنیت (به میزان $0/418$) و سن (به میزان $0/113$) می‌باشد. شاخص نظم اجتماعی تحت تأثیر مستقیم خیرخواهی (به میزان $0/374$)، امنیت (به میزان $0/218$) و خیرخواهی (به میزان $0/339$) می‌باشد. شاخص خیرخواهی تحت تأثیر مستقیم نظم اجتماعی (به میزان $0/321$) و امنیت (به میزان $0/321$) است.

شاخص امنیت نیز تحت تأثیر مستقیم خیرخواهی (به میزان $0/321$) قرار دارد. سن تحت تأثیر مستقیم صداقت (به میزان $0/113$) می‌باشد.

جدول (۶): تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر میزان تعهد شهروندی

انواع تأثیر ضرایب مسیر (βi) بر میزان تعهد شهروندی

مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم	اثرات غیر مستقیم						تأثیر مستقیم	عوامل مؤثر بر تعهد به اخلاق شهروندی
	تحصیلات	سن	امنیت	صداقت	خیرخواهی	نظم اجتماعی		
۱/۳۲۵	-	-	۰/۴۱۸	-	۰/۳۷۴	-	۰/۵۳۳	نظم اجتماعی
۰/۸۷۸	-	-	۰/۳۲۱	-	-	۰/۳۳۹	۰/۲۱۸	خیرخواهی
۰/۵۴۶	-	۰/۱۱۳	-	-	-	-	۰/۲۷۴	صداقت
۰/۷۵۴	-	-	-	-	۰/۳۲۱	-	۰/۴۳۳	امنیت
۰/۳۸۲	-	-	-	-	-	-	۰/۳۸۲	تحصیلات
۰/۲۹۵	-	-	-	-	-	-	۰/۲۹۵	سن
-	-	۰/۱۱۳	۰/۷۳۹	-	۰/۶۹۵	۰/۳۳۹	۲/۱۳۵	مجموع تأثیرات

تفسیر نیکویی برآزش داده‌ها در مدل:

در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر $(R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0/573 = 0/427)$ عدد 0/427 را نشان می‌دهد. این بدان معناست که متغیرهای مورد بررسی ۴۲/۷ درصد از واریانس میزان گرایش به تعهد به اخلاق شهروندی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده $(0/427 = \text{مقدار واریانس تبیین شده})$ و ۴۲/۷ درصد واریانس میزان گرایش تعهد به اخلاق شهروندی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش‌بینی نشده‌اند $(0/427 = 1 - 0/527 = \text{مقدار واریانس تبیین نشده})$.

بحث و نتیجه‌گیری

غالباً دو گانگی و ابهاماتی در سبک و سیاق زندگی شهروندان در جوامع شهری روی می‌دهد که پیش‌تر از آن در خلیقات و شخصیت‌ها قابل ملاحظه است. در جوامع گذار از سنت به مدرنیته، نقطه ابهام و پیچیده کنش افراد در زندگی شهری چگونگی حفظ و یا به تعادل رساندن هنجارها و باید و نبایدهایی است که تحت جبری به نام ارزش بر آن‌ها تحمیل شده است. ارزش‌هایی که در طی زمان دچار اختلال در کارکرد اصلی شده‌اند و در زندگی شهری و تعهد به عملی به اخلاق شهروندی ضد ارزش تلقی می‌شوند. در این پژوهش دو فرضیه مورد واکاوی و آزمون قرار گرفت.

فرضیه اول بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی با تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی بود که طبق نتایج حاصل از آزمون پیرسون این فرضیه معنادار شد. باتوجه به اینکه ارزش‌های فرهنگی در بعد عمومی شاخص‌هایی از قبیل همنوایی، صداقت خیر خواهی و موفقیت متعارض با اخلاق شهروندی در ابعاد نگرشی، ارزشی و عملی نیستند. طبق نظریه احساس همبستگی اجتماعی دورکیم و نیز نظریه اخلاق شوپنهاور، همنوایی و همدلی یگانه انگیزه

حقیقی اخلاق و حتی پایه اخلاق است. بدیهی است با تقویت کارکردهای خانواده از قبیل صلح، دوستی، امنیت و نظم، احساس همبستگی و تعلق در افراد شکل می‌گیرد و در پی آن تحکیم پیوندهای اجتماعی و مشارکت‌های شهروندی آشکار می‌شود. از آن گذشته، با توجه به جنبه اخلاقی شهروندی، احساس مسئولیت ایده‌ای است که تمامیت شهروندی را تحت الشعاع قرار می‌دهد (Annukka, 2005: 11). در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی با اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی در جامعه مدنی پرداخته شد. طبق نتیجه حاصل از آزمون پیرسون این فرضیه در سطح معناداری تأیید نشد. و عدم معناداری رابطه بین این دو متغیر حاکی از آنست که ارزش‌های فرهنگی در بعد خصوصی از جمله سنت مداری، درونی شدن ارزش‌ها و دینداری احساساتی را در فرد حاکم می‌کند که انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات فرهنگی اجتماعی را سخت و در مواقعی ناممکن می‌سازد. به تعبیری، احساسات چیزی است که ساختارهای اجتماعی و نظام‌های نمادین فرهنگی پایدار را می‌سازد. و درست زمانی که سنت‌های فرهنگی به چالش کشیده می‌شوند، مردم را جداگانه تحریک می‌کند و آن‌ها را بصورت گره خورده در مقابله با تغییرات فرهنگی اجتماعی قرار می‌دهد (Turner, 2005).

لذا تکیه افراد جامعه بر احساسات برای شکل‌بندی ضمانت‌های اجتماعی و ساختن ساختارهای اجتماعی و فرهنگی وضعیت پیچیده‌ای را بوجود می‌آورد (Ibid). بدیهی است چنین ساختارهایی با وجود عدم کارکرد، صرفاً به پشتوانه احساسات مردمی پابرجا می‌مانند. هر چقدر فرهنگ احساسات در بستر اجتماعی قوی‌تر باشد افراد بیشتر درگیر مدیریت احساسات از طریق رعایت و مراقبت‌های آداب و رسوم زندگی می‌شوند. به بیانی احساسات نقش اساسی در تنظیم تمام ساختارها و روابط خرد فی مابین زندگی ایفا می‌کند. و همسان‌سازی یک فضای خصوصی با نگرش معطوف به ارزش‌های سنتی با فضای عمومی زندگی شهری و قواعد مربوط به آن برای همه شهروندان در هر سطح از نگرش میسر نخواهد شد (Oenen, 2000).

موضوعات اخلاقی در ارتباطات بین فرهنگی برای همه افراد در همه فرهنگ‌ها عامل استرس‌زایی محسوب می‌شود. از این جهت که مبدا باورهای افراد، در مورد رفتارهای خیر و شر و درست و غلط مورد چالش قرار گیرد. در اکثر فرهنگ‌ها این باور وجود دارد که کدهای اخلاقی‌شان برای همه مردم متعارف و استاندارد است. در برخی گروه‌های فرهنگی، تفاوت‌های فرهنگی دیگران، فرودست‌تر از مجموعه باورهای خودی تلقی می‌شود (Flamia, 2012). بدیهی است این امر پدیده‌ای جهانی است که از دیدگاه‌های قوم‌نگارانه منبعث می‌شود. با این وصف که افراد همه فرهنگ‌ها را در ارتباط با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ خود مورد قضاوت قرار می‌دهند. این نوع تفکر قوم‌نگارانه باعث افزایش همبستگی، همکاری، فداکاری و اثربخشی دورن گروهی می‌شود. و زمانی که، مورد تهدید قرار می‌گیرد گروه فرهنگی تنها با تمایز سازی از دیگر گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌تواند هویت خود را حفظ کند. غالباً این تمایز سازی

با تفکرات فرادست انگاشتن گروه خودی در مقایسه با دیگر گروه‌های فرهنگی حاصل می‌شود. و این احساسات همان جبهه‌گیری‌های افراد را در برابر تغییرات تقویت می‌کند و تعادل را در جامعه از بین می‌برد و نیز سبب به وجود آمدن خرده فرهنگ‌های متعدد می‌شود. به نظر می‌رسد هر چقدر ارزش‌های فرهنگی در ابعاد عمومی توسعه یابد، جامعه آمادگی بیش تری برای پذیرش و تعهد به رفتارها و باورهای متناسب با زندگی در جامعه شهری را پیدا می‌کند.



منابع

- اسمارت، بری. (۱۳۸۵). میشل فوکو. ترجمه‌ی حسن چاووشیان و لیلا جوافشانی، تهران: کتاب‌امه.
- بلورچی، آراسته. (۱۳۸۴). بررسی میزان آگاهی مریبان از آموزش‌های شهروندی در مراکز ۱۹ گانه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- توکلی، عبدالله. (۱۳۸۱). اصول و مبانی مدیریت، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- ترکمان، فرح و بهمن پور، سکینه. (۱۳۸۸). نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دوره دبیرستان، فصلنامه علوم رفتاری، صص ۲۹-۹.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- دفتر طرح‌های ملی. (۱۳۸۲). پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رشتیانی، آذر. (۱۳۹۶). زمینه‌ها و تنگناهای جامعه‌شناختی فرآیند شکل‌گیری و گسترش شهروندی جهانی در ایران و بریتانیا، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- روشه، گی. (۱۳۷۹). کنش اجتماعی، ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- غلامی نیا، عبدالحمید. (۱۳۸۸). تأثیر انسان‌شناسی بر اخلاق شهروندی، فصلنامه انسان پژوهی دینی، دوره ۶، شماره ۲۱.
- فالکس، کیت. (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه‌ی محمد تقی دل افروز، تهران: نشر کویر.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). خلیات ما ایرانیان، تهران: نشر نی.
- فرامرزی، داود. (۱۳۷۸). نظریه ساختار مدور ارزش‌های شوارتز، نامه پژوهش، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۵.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۹۷۸). دورکیم، ترجمه‌ی یوسف اباذری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محمد خلیفه، عبداللطیف. (۱۳۷۸). بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه‌ی سید حسن سیدی، آستان قدس رضوی.
- منتظر قائم، محمد مهدی و امیر منصوری. (۱۳۷۹). رسانه‌های جمعی و هویت، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۴.

- مهدوی کنی، صدیقه. (۱۳۸۸). ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، (رویکردی معناشناختی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افشار کهن، جواد، ناجی مهر، فاطمه. (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی بر احساس شهروندی (مطالعه موردی: ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر مشهد). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۱۰.
- نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۰). جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه‌ی جمال محمدی، نشر افکار.
- وکیل‌ها، سمیرا. (۱۳۹۶). موانع و محدودیت‌های ساختاری تعهد به اخلاق شهروندی (در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال)، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۳۵.

- Turner, Jonathan H. & Jan E Stets. (2005). *The Sociology of Emotions*, Cambridge University Press, New York.
- Turner, Bryan. (2001). *The erosion of citizenship*, British Journal of Sociology vol. no. 52 issue no. 2 (June 2001)
- Marshall, T.H. (1994). *Afterthought on Value Problems in Welfare* ° Capitalism in Turner and Hamilton (eds) *Citizenship*, Routledge, vol 2, chap 30.
- Annukka, Hukka. (2005). *Democracy and Ethical Citizenship*, University of Tampere, Department of Teacher Education.
- Porter, eds. (2003). *Intercultural Communication: A Reader*, 10th ed. (Belmont, CA: Wadsworth/ Thomson).
- Oenen, Gijis Van. (2000). *Modern citizenship and its cultural hazards, turning on the citizen. the liberal citizen*, Pdf.
- Flaminia, Madelyn. (2012). *Preparing Students for the Ethical Challenges of Global Citizenship*, Department of English, University of Central Florida Orlando, FL 32816 USA, SYSTEMICS, CYBERNETICS AND INFORMATICS VOLUME 10 - NUMBER 4 YEAR 2012, ISSN: 1690-4524.